

سبک‌های رفتاری پیامبر اعظم(ص) با زنان در عرصه‌های اجتماعی، جنگ و خانواده

سیدحسن قریشی کربن*، حجت شعبانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

چکیده

زنان در طول تاریخ همواره مورد ظلم و تعدی قرار گرفته و حقوق انسانی‌شان پایمال شده است. با ظهور اسلام جلوه‌ای زیبا به شخصیت زن بخشیده شد. سبک‌های رفتاری پیامبر اسلام(ص) با زنان، به عنوان الگویی جاویدان براساس شناخت موقعیت ویژه جنسیتی آنان، مقام اجتماعی و نیز تابع مصالح عامه و در پاره‌ای موارد مشمول حکم حکومتی بوده است. آنچه به عنوان معیار اساسی رفتار با زنان در این نوشتار می‌توان ارائه داد، حفظ حرمت و ویژه زنان و توجه به نقش اساسی و اصلی آنان است. در یک تقسیم‌بندی، سبک‌های رفتاری زیر بررسی شد: الف) سبک رفتار با دختران جوان؛ ب) سبک رفتار با همسران؛ ج) سبک رفتار با زنان اسیر؛ د) سبک رفتار با زنان خطاکار و مجرم؛ ه) سبک رفتار با زنان مصیبت‌دیده. در سیره پیامبر(ص) توجه به نقش مادری و همسری زنان را به عنوان وظیفه و نقش اصلی آنان، بیش از دیگر نقش‌ها مورد توجه قرار گرفته و نقش‌های اجتماعی و حضور پررنگ در صحنه‌های نبرد و سیاست نیز نادیده گرفته نشده است.

واژه‌های کلیدی:

پیامبر، سبک زندگی، زنان، رفتار.

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

سبک‌های رفتاری
پیامبر اعظم(ص) با
زنان در عرصه‌های
اجتماعی، جنگ
و خانواده
(۱۰۷ تا ۱۲۲)

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع. shabani.hojjat@gmail.com

دیدگاه پیامبر(ص) درباره زن

نگاه پیامبر اکرم(ص) به زن که ترجمان نگاه اسلام است، همواره در میان دو تحلیل افراط‌گرایانه و تفریطی برخی از دانشمندان قرار گرفته است. برخی از آنان با اشاره به مواردی چون تعدد زوجات پیامبر و داستان ازدواج آن حضرت با زینب بنت جحش و گزارش‌های غیرواقعی عاشقانه، (ابن سعد، بی‌تا، ۱: ۱۴۹) به هوا و هوس تنزک داده‌اند، و برخی دیگر با استناد به پاره‌ای از روایات موضوعه و ساختگی یا روایاتی که فهم آنها به بررسی و شناخت عناصر زمان، مکان و موقعیت تاریخی نیاز دارد، بدون توجه به این عناصر، دیدگاه خشنی از آن حضرت درباره زن، به تصویر کشیده‌اند. به نظر می‌رسد بررسی مستند و مبتنی بر متون تاریخی و تنظیم قطعات و برش‌های موجود در کتاب‌های دست اول، ما را به نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر در مورد رفتار پیامبر با زنان، هدایت می‌کند. ابتدا به دیدگاه آن حضرت در مورد شخصیت زنان را به اجمال اشاره می‌کنیم.

گرچه در محافل دین‌ستیزانه و آثار معاند با دین و مفاهیم دینی، نگاه پیامبر(ص) به زن، بسیار تحقیرآمیز ترسیم می‌شود و روایات ساختگی، دست‌مایه این گونه آثار است؛ اما امعان نظر منطقی و عمیق در حیات حضرت نشان می‌دهد که همواره به شخصیت زن و ویژگی‌های روحی و روانی و وظایف اختصاصی وی و نیز مشکلات ویژه‌ای که در امر تربیت نسل‌های آینده دارد، توجه شده است؛ برای مثال برخورد آن حضرت با همسران خود به گونه‌ای است که گاه به خود جرئت مشاجره و برخوردهای تند با حضرت را می‌دهند. (سیوطی، ۱۴۰۴، ۶: ۲۶۳) در گزارش‌های معتبری آمده است که برخی از همسران آن حضرت، از فقر و سخت‌گیری‌های پیامبر در حفظ بیت‌المال و استفاده نکردن از آن در زندگی شخصی، شکایت می‌کنند و در این موارد بی‌صبری از خود نشان می‌دهند. (ابن سعد، بی‌تا، ۸: ۱۴۰) گاه رفتار آنان چنان گستاخانه است که حضرت از خانه بیرون می‌رود و چند روزی از آنان دوری می‌کند تا تأدیب شوند و گاه آیه نازل می‌شود (احزاب، آیه ۲۸-۲۷) و در مواردی نیز پدران آنان با ضرب و شتم و برخورد فیزیکی، آنها را ساکت می‌کنند. (مسلم، بی‌تا، ۴: ۱۸۸)

افزون بر روایاتی که علاقه پیامبر(ص) به عطر، زن و نماز شب را می‌رساند، روایت‌ها و گزارش‌هایی در مورد اهمیت زنان نزد پیامبر(ص) وجود دارد. عفان بن مسلم از ابو‌هلال از قتاده از معقل بن یسار نقل می‌کند که او می‌گفت: پیامبر اسب را بسیار دوست می‌داشت؛ سپس این راوی سخن خود را تصحیح کرد و گفت: نه خداوند! بلکه زنان برای او محبوب‌تر بودند. (ابن سعد، بی‌تا، ۱: ۳۹۸) تعبیر «النساء شقائق الرجال؛ زنان نیمه‌ای از مردان هستند». (ذهبی، ۱۴۱۳، ۱: ۱۸۰ و ۲: ۳۰۴) دیدگاه پیامبر(ص) را درباره هویت مشترک زن و مرد

نشان می‌دهد و اینکه گرچه در حقوق و وظایف و تکالیف و ویژگی‌های جسمی متفاوت هستند، در هویت و ماده اولیه خلقت یکسانند و در راستای یک هدف مشترک (تعالی و تکامل) خلق شده‌اند و در کيفر و پاداش نیز به طور برابر با آنان برخورد خواهد شد.

سفارش‌های پیامبر(ص) به مردان در مورد محبت به زنانشان (ابن سعد، بی‌تا، ۸: ۳۲۳) و برخورد تند با مردانی همچون ولید بن عقبه (المتقی الهندی، ۱۴۱۳، ۹: ۶۷۳) و دیگران که زنان خود را کتک می‌زدند، نمونه‌های شفاف و بارزی از نگاهداشت حرمت زنان توسط پیامبر اعظم(ص) است.

سبک‌های رفتاری پیامبر(ص) با زنان به استناد تاریخ

در یک نگاه، گونه‌های رفتاری پیامبر(ص) با زنان را با تکیه بر قطعات و برش‌های تاریخی، می‌توان در چند بخش بررسی کرد:

الف) سبک رفتار با دختران جوان؛

ب) سبک رفتار با همسران؛

ج) سبک رفتار با زنان اسیر؛

د) سبک رفتار با زنان خطاکار و مجرم؛

ه) سبک رفتار با زنان مصیبت‌دیده.

گفتنی است که برخی از مصادیق و موارد ذکرشده را با عناوین دیگری نیز می‌توان بررسی کرد؛ اما آنچه در این پژوهش، برجسته شده و مورد توجه ویژه قرار گرفته است، رفتارهای گزارش‌شده و اعتنا به نقطه تمرکز روایت است.

الف) سبک رفتار پیامبر(ص) با دختران جوان

الف) امامه، دختر ابوالعاص بن ربیع و زینب (دختر رسول خدا(ص)) است که مورد علاقه جدش، رسول خدا بود. (محلّی، ۱۳۷۰، ۳: ۳۵۰) بنابر نقل عایشه، گردنبندی به عنوان هدیه برای رسول خدا فرستاده شد و آن حضرت فرمود: این هدیه را به فردی از خانواده می‌دهم که بیشتر دوستش دارم. عایشه گمان کرد هدیه به او داده خواهد شد؛ اما پیامبر امامه را صدا زد و با دست خود آن را به گردن وی آویخت. (ابن سعد، بی‌تا، ۸: ۲۶-۲۷) همچنین گزارش شده است که وقتی نجاشی، شهریار حبشه، انگشتی از طلا برای آن حضرت فرستاد، آن را به امامه هدیه کرد و فرمود: «تُحَلَّى بِهٖ یَا بُنَیَّةُ؛ خودت را با آن آراسته کن».

(ذهبی، بی‌تا ۲: ۲۹۴)

ب) عماره که او را فاطمه نیز نامیده‌اند، دختر حمزه سیدالشهدا و سلمی بنت عمیس بود. این دختر - که بنا به نقل مشهور، نسل حمزه از او باقی ماند - در جریان عمره القضاء،

از پسرعموی خود، علی(ع) و فاطمه(س) درخواست کرد تا او را به مدینه ببرند و آنان پس از کسب اجازه از پیامبر، وی را به مدینه آوردند. البته به علت مفاد صلح حدیبیه، پیامبر اجازه لفظی نداد، بلکه در برابر خواسته آنان سکوت کرد. (بغدادی، بی تا: ۱۰۷؛ وقادی، ۱۴۰۵، ۲: ۷۳۸) پس از ورود آنها به مدینه، برای حضانت و سرپرستی عماره، بین علی(ع) و جعفر طیار - که شوهرخاله عماره بود - و زید بن حارثه که با حمزه سیدالشهدا عقد اخوت خوانده بود، اختلافی پیش آمد؛ پیامبر(ص) این اختلاف را بسیار حکیمانه و عادلانه حل کرد و فرمود: اما تو ای زید! دوست خدا و رسولش هستی؛ و تو ای علی! برادر و همراه و مصاحب من هستی؛ و تو ای جعفر! تو به حضانت او (عماره) سزاوارتری؛ زیرا خاله او، اسماء، همسر تو است و خاله مانند مادر است برای دختر. (ابن سعد، بی تا، ۸: ۴۸، ۱۵۸) (اگرچه علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، از کتاب الصحيح من سيرة النبي الاعظم(ص) جلد ۱۹، فصل السادس: ۲۲۶ - ۲۱۵) جزء به جزء این نقل قول را تحلیل و بررسی کرده و ایرادهای جدی بر آن وارد آورده است. (مرتضی عاملی، ۱۴۲۸، ج ۱۹، فصل السادس: ۲۲۶ - ۲۱۵)

همچنین ابونعیم، گزارش مستندی به این مضمون آورده است که برای پیامبر(ص) قטיפه‌ای راه‌راه از جنس حریر، هدیه آوردند. آن حضرت امر کرد که این پارچه را برای چهار نفر به چهار قسمت تقسیم کنند: فاطمه بنت اسد، فاطمه زهرا(س)، فاطمه دختر حمزه و فاطمه دیگری که نسبت او در گزارش ذکر نشده است. (ابونعیم الاصفهانی، ۱۴۱۹، ۶: ۴۰۹)

ابن سعد گوید آن حضرت در خطبه عقد این دو نوجوان چنین فرمود: «دختر برادر رضاعی‌ام را رسول خدا(ص) به ازدواج سلمة بن ابی سلمه درآورد». (همان، ۸: ۱۶۰) البته برخی از محققان تاریخ اسلام، از جمله علامه سیدجعفر مرتضی عاملی به تفصیل این نقل قول را ارزیابی کرده و ایرادهای علمی بر برادر شیرینی بودن حمزه برای پیامبر(ص) وارد می‌سازد. (مرتضی عاملی، ۱۴۲۸، ج ۲، فصل الاول: عهد الطفوله: ۱۵۰ - ۱۵۳) در این عبارت، تعبیر «ابنة اخی» وجود دارد که دارای بار عاطفی است و حمایت و پشتیبانی حضرت را از این دختر می‌رساند و با لفظ اخی، بر شرافت خون و تبار تابناک عماره، تأکید می‌کند.

همچنین رسول خدا(ص) هنگام آوردن نام سلمه، به اینکه او فرزند ایشان (ریب) شمرده می‌شد - چون پسر ام سلمه، همسر آن حضرت بود - اشاره نمی‌کند تا پیوند پیامبر به عماره برجسته‌تر شود. توجه به رابطه عاطفی مادر و دختر که به خاله نیز تعمیم داده می‌شود و نیز در نظر داشتن روحیات لطیف دختران، حمایت از این دختر نوجوان با قراردادن او در کنار زنان معروفی چون فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا(س) و اعطای هدیه به او، همچنین نکاتی که درباره ازدواج عماره ذکر شد، نمایانگر نوع برخورد عاطفی،

حمایت‌گرانه و مشفقانه آن حضرت با دختری است که از نعمت وجود پدر و مادر محروم است و در بحران عاطفی شدید قرار دارد.

ج) امیه، دختر قیس بن ابی‌صلت غفاری، دختر نوجوانی است که از پیامبر درخواست می‌کند برای کمک به مداوای مجروحان و امور تدارکاتی، همراه پیامبر (ص) به خیبر رود. آن حضرت به انتخاب او احترام می‌گذارد و درخواستش را می‌پذیرد و با جمله «علی بر که الله» بار دیگر مقام و جایگاه زن را از دیدگاه اسلام، مشخص می‌کند.

امیه گوید: من جاریه‌ای کم‌سن و سال بودم که برای رفتن به خیبر، با پیامبر (ص) همراه شدم. آن حضرت من را بر پشت شتری سوار کرد که لوازم و بارهای آن حضرت را حمل می‌کرد. صبح فردای آن روز متوجه شدم که دچار بیماری زنانه شده‌ام؛ از این رو از ناقه پیاده شدم و شرمنده در گوشه‌ای ایستادم. پیامبر که حالت من را دید، فرمود: «لعلک نفست؛ گویا تو ناپاک شده‌ای!» سپس دستورالعمل‌های بهداشتی را به من آموخت و رواندازی برای تطهیر به من داد (واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۶۸۶) و با این رفتار، آرامشی وصف‌ناشدنی برای من به ارمغان آورد.

نکته جالب‌تر اینکه پس از فتح خیبر، هرچند پیامبر در جنگ‌ها سهمی از غنائم برای زنان در نظر نمی‌گرفت (و سهم ایشان به مجاهدان تعلق داشت)، گردنبندی به امیه اعطا می‌کند که تا آخر عمر امیه، در گردن او بود و امیه وصیت می‌کند که آن گردنبند را با او دفن کنند.

ب) سبک رفتار پیامبر (ص) با همسران

رفتار پیامبر (ص) با همسرانش دارای اهمیتی ویژه است. درباره رفتار آن حضرت با خدیجه (س) و احترام به مقام و جایگاه او، یادآوری مکرر خدمات او به اسلام و مسلمانان، و ابراز ارادت و محبت به مناسبت‌های مختلف، بیشتر بحث شده است. رفتار پیامبر (ص) با همسرانش که پیش از ازدواج اسیر بودند و بعدها به افتخار همسری آن حضرت درآمدند نیز بسیار درخور توجه است. صفیه و جویریة از این افراد هستند که در بخش رفتار پیامبر (ص) با اسیران نیز درباره آنها بحث خواهد شد. صفیه، همسر یکی از سران قبایل بود و جویریة دختر رئیس یکی از قبایل، که پس از اسارت، پیامبر آنها را گرامی داشت و ابتدا ایشان را آزاد فرمود و سپس با تمایل قلبی، با آنان ازدواج کرد. در طول زندگی مشترک نیز همواره به آنان ابراز محبت می‌کرد و در اختلاف‌های بین همسران آزاده و این بانوان، مدافع آنان بود؛ چنان‌که صفیه می‌گوید وقتی برخی از همسران پیامبر (ص) با ذکر نسب خود بر او تفاخر کردند و آزارش دادند، پیامبر (ص) با دیدن چهره غمگین و چشمان

اشکبار او، علت را می‌پرسد و به او می‌فرماید: در جواب آنها بگو: «پدرم هارون و عمویم موسی است». (واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۶۷۵)

در مورد جویریة نیز گاهی که دیگر همسران پیامبر به او فخر می‌فروختند و او ناراحت می‌شد که چرا مهریه‌ای مانند بقیه همسران حضرت نداشته است، پیامبر می‌فرمود: آیا مهریه تو را سنگین قرار ندادم و آیا چهل نفر از قوم تو را آزاد نکردم؟! (طبرانی، بی‌تا، ۲۴: ۵۹)

گفتنی است که طبق گزارشی، پس از اسلام آوردن ریحانه، پیامبر برای او مهریه‌ای مانند همسران دیگر قرار داد ... و حتی از غنائم نیز به او عطا کرد؛ (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ۸: ۷۸) ولی گزارش اول که ملک یمین حضرت ماند، قوی‌تر است.

ام‌شریک، یکی دیگر از همسران پیامبر، بانویی عاقل و فهیم بود. وی بعد از مهاجرت پیامبر (ص) در مکه ماند و به تبلیغ اسلام پرداخت. سرانجام قریش او را بر شتری بی‌جهاز سوار کردند و به مدینه فرستادند. او پس از ورود به مدینه نزد رسول خدا آمد و به پیامبر پیشنهاد ازدواج داد و خود را به حضرت بخشید. پیامبر نیز پس از نزول آیه نورانی «... وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ...» (احزاب، آیه ۵۰) او را به عقد خویش درآورد و به طعن و تمسخرهای دیگر همسران خویش، اهمیتی نداد. (ابن سعد، بی‌تا، ۸: ۱۵۴؛ ذهبی، ۱۳۶۶، ۱: ۵۹۸)

بنابراین، منشأ ازدواج‌های متعدد پیامبر، زیاده‌طلبی نبوده؛ بلکه بسیاری از این ازدواج‌ها به امر الهی و بنا بر مصلحت‌اندیشی آن حضرت صورت گرفته است.

ماجرای افک و همسران پیامبر

افک به معنای بهتان بزرگ است. مصادیق این ماجرا در عصر پیامبر از نظر شیعه و اهل سنت متفاوت است. اهل سنت، آن را مربوط به تهمتی می‌دانند که به عایشه نسبت داده شد؛ شیعه نیز این تهمت را متوجه ماریه قبطیه، همسر دیگر پیامبر می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۱۵: ۱۶ / واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۴۲۶ / دیار بکری، بی‌تا، ۱: ۴۷۳ / المقریزی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ابن اثیر، بی‌تا، ۵: ۴۳) در هر حال، مسئله تهمت، چنان بزرگ و نابخشودنی است که برای برائت زنی که متهم شده بود، آیه نازل می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ...» (نور، آیه ۳۷ - ۱۱) در حقیقت، کسانی که آن بهتان را (در میان) آورده‌اند، دسته‌ای از شما بودند. آن تهمت را شری برای خود تصور نکنید؛ بلکه برای شما در آن مصلحتی بوده است». ماجرای افک، مبین آن است که آبروی زنان و حیثیت آنان برای پیامبر (ص) اهمیت زیادی داشته است. بنابراین در جریان عایشه، تهمت‌زنندگان را حد می‌زند. در جریان ماریه نیز در یک برنامه تعلیمی برای حفظ حیثیت یک بانو، دستور کشتن ابن جریح

را می‌دهد تا زشتی قذف و تهمت بر مردم معلوم شود و در نتیجه دامن ماریه از تهمت پاک بماند.

ج) سبک رفتار پیامبر(ص) با زنان اسیر

در گونه رفتاری پیامبر(ص) با زنان اسیر، موارد زیادی به چشم می‌خورد که از مجموع آنها می‌توان معیار رفتاری آن حضرت را شناسایی کرد.

معمولاً پیامبر(ص) با زنان اسیری که پیش از اسارت، از مقام و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بودند، رفتاری کریمانه داشت و سهم آنها را جزو غنیمت افراد عادی قرار نمی‌داد، تا شأن آنها پس از اسارت نیز حفظ شود؛ (مفید، ۱۳۷۲، ۱: ۱۱۸/طبرسی، ۱۴۱۷، ۱: ۱۹۷) از جمله این زنان:

الف) صفیه دختر حبیبی ابن اخطب: رفتار ملاطفت‌آمیز با این زنان آسیب‌دیده و مراعات وضعیت روحی آنان است؛ چنان‌که بلال را ملامت می‌کند که صفیه و دخترعمویش را از کنار پیکر کشتگان آنها عبور داده است. (واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۶۷۴-۶۷۳) رفتار ملاطفت‌آمیز تا حدی است که صفیه می‌گوید هنگام بازگشت به مدینه از خیبر، پیامبر مرا بر مرکب خود سوار کرد. در بین راه، گاهی خواب بر من غلبه می‌کرد و تعادل خود را از دست می‌دادم. پیامبر(ص) با مهربانی می‌فرمود: «قدری صبر کن! ای دختر حبیبی (بن اخطب) صبر کن تا به صهباء برسیم. اما من از تو معذرت می‌خواهم که چنین اتفاقی افتاد، ای صفیه! (صهباء، منزلی است بعد از خیبر که کاروانیان در آن استراحت می‌کردند). (الهیمنی، ۱۹۶۷، ۹: ۱۵) برخورد لطیف پیامبر با این کنیز، به گونه‌ای است که هنگام سوار شدن بر مرکب پیامبر(ص)، آن حضرت زانو خم می‌کند تا صفیه کف پای خود را بر زانوی او نهاده، سوار شتر شود. (بیهقی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۳۳/قسطاطی، ۱۴۱۶، ۱: ۲۸۶) این رفتارهای مهرآمیز از رهبر بزرگ اسلام با بانویی اسیر که اینک افتخار همسری پیامبر(ص) را یافته، به گونه‌ای است که صفیه گوید: «ما رأیت احدا قط احسن خلقا من رسول الله؛ هرگز کسی را از نظر اخلاق، بهتر از رسول خدا(ص) ندیدم». (السهبلی، ۱۴۱۲، ۷: ۱۰۴)

ب) جویریة، دختر حارث بن ضرار (ابی ضرار) رئیس بنی‌مصطلق، از جمله اسیران بنی‌مصطلق بود که سال ششم هجری به اسارت مسلمانان درآمد. (ابن سعد، بی‌تا، ۲: ۶۳/ابونعیم الاصفهانی، ۱۴۱۹، ۲: ۷۸۳) او در این نبرد، همسر خود، مسامح بن صفوان مصطلقی را از دست داد. (واقعی، ۱۴۰۵، ۱: ۴۱۱/نویری، ۱۹۲۴، ۱۷: ۱۸۳) از آنجا که جویریة در خاندان خود دارای مجد و شرف بود و پیامبر(ص) چنان‌که گفتیم به شرافت و کرامت بزرگان هر قومی احترام می‌گذاشت، به طوری که او را آزاد گذاشت تا خود، اسلام و پیامبر(ص) را برگزیند یا نقطه مقابل آن، باقی ماندن بر دینش را انتخاب کند (ابن سعد، بی‌تا، ۲: ۶۲) و با اینکه او اسیر بود،

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

سبک‌های رفتاری
پیامبر اعظم(ص) با
زنان در عرصه‌های
اجتماعی، جنگ
و خانواده
(۱۰۷ تا ۱۲۲)

پیامبر(ص) ازدواج با خود را به وی تحمیل نکرد. در برخی از گزارش‌ها آمده است که در فتح خیبر، پیامبر اکرم هشتاد و سق (۶۰ صالح ۳۲۰ رطل) خرما و بیست و سق جو و گندم به جویریہ بخشید (همان) و هنگام ازدواج با او، تمامی اسرای بنی‌مصطلق را آزاد کرد. (ر.ک: همان / طبرانی، بی‌تا، ۲۴: ۵۹)

ج) سفانه، دختر حاتم طایی، در سال هشتم هجری و در جریان سریه علی بن ابی‌طالب(ع) به نجد اسیر شد. پس از گفت‌وگوهای سفانه با پیامبر(ص)، حضرت، سفانه را به دلیل مکارم اخلاقی که پدرش به آنها مشهور بود، مانند سخاوت، یاری ستم‌دیدگان و دیگر صفات پسندیده‌اش، آزاد کرد و وی را با کاروانی مطمئن به سوی برادر سفانه، عدی بن حاتم فرستاد. (واقعی، ۱۴۰۵: ۲ / ۹۸۹) نکته تأمل‌برانگیز در جریان سفانه این بود که پیامبر او را جزو غنائم قرار نداد تا جایگاه اجتماعی او به عنوان دختر حاتم طایی حفظ شود؛ بلکه وی را به خانه رمله که فردی مطمئن و محترم بود، فرستاد تا نزدیک مسجدالنبی باشد. رفتار پیامبر با وی به گونه‌ای بود که وقتی برادر سفانه از وی پرسید: کار این مرد را چگونه دیدی؟ پاسخ داد: «به خدا سوگند، چنان دیدم که به زودی ما نیز به او می‌پیوندیم». (ابونعیم الاصفهانی، ۱۴۱۹، ۶: ۳۳-۶۳)

د) جاریه دختر ام‌قرفه: در سال ششم هجری، زید بن حارثه و یارانش در یک سریه‌ای، جاریه، دختر مالک بن حذیفه و مادرش را که معروف به ام‌قرفه بود، اسیر کردند. قیس بن محسر، ام‌قرفه را به طرز فجیعی کشت و با اینکه او زنی سالخورده بود، پاهایش را به شتر سرکش بست و از دو طرف کشید. (یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۷۱ / مرتضی عاملی، ۱۴۲۸، ۱۵: ۱۰) سلمه بن اکوع، جاریه را با خود به مدینه آورد. وی در مورد جاریه و زیبایی او با رسول خدا صحبت کرد. سلمه وی را به پیامبر(ص) بخشید. پیامبر نیز او را به حزن بن ابی‌وهب بخشید و جاریه برای حزن دختر خوبی به دنیا آورد. (واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۸۵۰) برخی گفته‌اند فرزندش پسر بوده است. (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ۴: ۱۰۳۵ / واقعی، ۱۴۰۵، ۱: ۵۶۴ / ابن‌سعد، بی‌تا، ۲: ۸۰ / ابن‌حیان، ۱۳۹۳، ۱: ۲۸۶) به‌نظر می‌رسد پیامبر(ص) از یک‌سو برای دلجویی از این دخترک که مادرش را به آن شکل کشته و برادرش، قرفه را نیز مقدار کشت و از سوی دیگر، چون جاریه در خانه شریف‌ترین افراد قوم خود زندگی کرده (طبری، بی‌تا، ۲: ۲۸۷) و عزت مادرش نیز زبانزد بود، او را به حزن بخشید تا در خانواده‌ای شریف و عزیز زندگی کند. از رفتار پیامبر(ص) با جاریه، می‌توان موارد ذیل را فهمید:

۱. توجه پیامبر به شرافت افراد و حفظ حرمت آنان پس از اسارت؛
۲. دلجویی و جبران عاطفی از افرادی که به نوعی مورد بی‌مهری قرار گرفتند؛
۳. توجه به مسائل جزئی پیرامون خود درباره افراد.

د) سبک رفتار پیامبر با زنان خطاکار

از مجموعه گونه‌های رفتاری پیامبر(ص) با زنان مجرم و خطاکار، می‌توان دیدگاه آن حضرت را درباره جرم و مجرم تحلیل کرد و الگویی برای مسئولان جامعه امروز ارائه داد. مجرم بیمار است؛ باید به او فرصت درمان داد و زمینه بازگشت به سلامتی روح و روان را برایش فراهم ساخت. موارد ذیل، نمونه‌هایی از رفتار پیامبر با زنان مجرم است:

الف) هند، دختر عتبه و همسر ابوسفیان: وی عامل بسیاری از ستم‌های قریش به مسلمانان بود و ننگ مثله کردن پیکر حمزه سیدالشهدا و خوردن جگر وی، در تاریخ به نام این زن ثبت شده است. وی از زنان مجرم عصر نبوی و جزو ده نفری بود که پیش از فتح مکه، به فرمان پیامبر خونس مباح شمرده شد؛ اما پس از فتح مکه و اعلام در امان بودن کسانی که در خانه رئیس قریش، ابوسفیان به سر می‌برند، او بخشیده شد. هنگام پذیرش اسلام و بیعت با رسول خدا، وقتی هند نقاب از چهره برداشت و خود را معرفی کرد، پیامبر فرمود: «مرحبا بک؛ خوش آمدی». آن‌گاه بدون هیچ گونه ملامت و سرزنشی قوانین اسلام را به او عرضه کرد. هند در پاسخ این رفتار مهرآمیز گفت: ای رسول خدا! سوگند که هیچ خیمه‌ای روی زمین، نزد من ذلیل‌تر از خانواده و خیمه شما نبود و امروز هیچ گروه و خانواده‌ای محبوب‌تر از شما نزد من نیست. البته ابونعیم، گزارشی از زخم زبان هند به پیامبر و گلایه او قبل از اتمام بیعت دارد که گفته است: به زحمت، فرزندانم را بزرگ کردم و از کودکی به بزرگی رساندم و شما در بزرگی، آنها را کشتی. (شافعی، بی‌تا: ۲۶۶؛ ابونعیم الاصفهانی، ۱۴۱۹، ۶: ۳۴۰۶) پیامبر(ص) در برابر این اعتراض وقیح، بزرگواران سکوت کرد. اعطای فرصت به چنین زن خطاکاری که پیش از فتح مکه مهدورالدم بود، نمایانگر عظمت روحی پیامبر و فرهنگ عفو و بخشش در اسلام است. از طرفی، او خطاهایش را پیش از پذیرش اسلام انجام داده؛ پس شامل قاعده «جب» می‌شود. شاید سکوت پیامبر در برابر بد زبانی هند، به دلیل درک موقعیت او هنگام بیان این سخنان بوده است.

ب) زینب، همسر سلام بن مشکم: زنی یهودی بود که پس از فتح خیبر برای انتقام از رسول خدا و شاید به گفته خود او امتحان نبوت آن حضرت، ران گوسفندی را مسموم کرد و به عنوان هدیه برای پیامبر آورد. پیامبر(ص) پیش از خوردن گوشت، از راه غیب متوجه مسموم بودن آن شد و علت این عمل را از او پرسید. زینب گفت: شما پدر، عمو و همسر مرا کشتید و آنچه خواستید با قوم من کردید؛ من با خود گفتم اگر پیامبر باشید، این گوشت گوسفند، از آنچه کرده‌ام شما را خبر خواهد کرد و اگر پادشاه باشید، از شما راحت خواهیم شد. (طبری، بی‌تا: ۳۰۳)

سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

سبک‌های رفتاری
پیامبر اعظم(ص) با
زنان در عرصه‌های
اجتماعی، جنگ
و خانواده
(۱۰۷ تا ۱۲۲)

گفتنی است که بشر بن براء، یکی از اصحاب رسول خدا (ص)، قسمتی از این گوشت را خورد و به علت همان سم از دنیا رفت. در مورد رفتار پیامبر با زینب اختلاف است. برخی گفته‌اند که پیامبر (ص) او را به دار آویخت (واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۶۷۷؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۳: ۳۳) و برخی نوشته‌اند که پیامبر (ص) او را به خانواده بشر سپرد و اولیای دم بشر بن براء و نزدیکان وی، او را کشتند. (ابن سعد، بی‌تا، ۲: ۲۰۲) ابن‌هشام که از نظر زمانی مقدم بر منابع دیگر است، می‌نویسد: «پیامبر از او گذشت و وی را بخشید». (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ۳: ۸۰۱) بیهقی حتی بالاتر از ابن‌هشام، نوشته است: «از او گذشت و حتی وی را سرزنش هم نکرد». (بیهقی، ۱۴۰۵، ۴: ۲۵۸ - ۲۵۷) صفح به معنای عفو و گذشت بدون سرزنش و ملامت است. بنابر نظر دیگری، او اسلام آورد و به همین علت پیامبر او را نکشت. (ابن‌خلدون، بی‌تا، ۲: ۳۹) این در حالی است که تصریح شده او به دین یهود باقی بود و از دنیا رفت. (قاضی عیاض، ۱۴۰۹، ۱: ۱۰۷)

در اینکه آیا مسموم کردن گوشت، اقدام شخصی زینب بوده است یا یهودیان عامل اصلی آن بوده‌اند و زینب از سوی آنها مأموریت داشت، اختلاف است؛ ولی در هر حال، عامل اجرایی این توطئه، زینب بود که بنابر منابع اولیه و معتبر، پیامبر از او درگذشت. نکته ظریف در این گزارش، پذیرفتن هدیه زن یهودی است که از رفتار ملاطفت‌آمیز آن حضرت حکایت دارد.

ج) ام‌حکیم، همسر عکرمه بن ابی‌جهل و فاخته، همسر صفوان بن امیه: این دو زن، از جمله افرادی بودند که برای براندازی اسلام و نابودی پیامبر تلاش بسیاری کردند و ردپای افکار و اعمال پلید آن دو، در تمامی کارشکنی‌های قریش دیده می‌شود. پس از فتح مکه، هر دو متواری شدند. گزارش شده است که نام عکرمه بن ابی‌جهل در فهرست اسامی ده نفری بود که خون آنها مباح شمرده شده بود.

در جریان فتح مکه، ام‌حکیم، دختر حارث بن هشام و همسر عکرمه که خود نیز در برخی رفتارهای ناشایست شرکت داشت، پس از فرار همسرش از مکه، نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! عکرمه از ترس اینکه او را بکشید، گریخته و به یمن رفته است. او را امان دهید! پیامبر فرمود: «هو آمن؛ او در امان است». (واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۸۵۱ - ۸۵۲) ام‌حکیم با شنیدن سخن پیامبر (ص)، به جستجوی همسرش پرداخت و پس از یافتن او، گفت: ای پسرعمو! من از نزد نیکوترین مردم و پیوند دهنده‌ترین و برترین آنان آمده‌ام. خود را به هلاکت نینداز که من برای تو از او امان گرفته‌ام. عکرمه به مکه بازگشت و اسلام آورد. طبری در گزارشی آورده است که پیامبر به درخواست عکرمه برای او دعا کرد و گفت: «پروردگارا! هرگونه دشمنی که عکرمه به من روا داشت ببخش و هر حرکتی که

برای خاموش کردن نور تو انجام داد و مسیری که طی کرد ببخشای و هر آبرویی که از من برد، چه در حضورم و چه در غیابم، ببخش». (طبری، بی‌تا: ۹) به نقل از مالک بن انس (م ۱۷۹) و طبری، فاخته، دختر ولید بن مغیره و همسر صفوان بن امیه، و ام‌حکیم، از جمله زنانی بودند که پیش از همسرانشان اسلام آوردند و از پیامبر رحمت برای همسران خود امان خواستند.

د) ساره مغنیه (آوازه‌خوان): ساره از زنان آوازه‌خوان و مشهور مکه بود که در نبرد بدر، برای تشویق سپاه کفر به مبارزه با مسلمانان، آواز می‌خواند. پس از شکست قریش در بدر، ابوسفیان اجازه برگزاری مراسم عزای برای کشته‌شدگان را نداد تا کینه مسلمانان همچنان در دل خانواده‌های مکی باقی بماند و برگزاری مراسم شادی نیز ممنوع شد. ساره که روزگار خود را از آوازه‌خوانی در مراسم‌های شادی و عزای می‌گذراند و او را «مغنیه نائحه» لقب داده بودند، در زندگی به سختی افتاد؛ از این رو به مدینه نزد پیامبر رفت. حضرت با دیدن وی پرسید که آیا اسلام آورده است؟ او پاسخ منفی داد. حضرت پرسید آیا هجرت کرده است؟ و او باز هم جواب منفی داد. وقتی رسول خدا (ص) علت آمدن او به مدینه را پرسید، وی از مشکل معیشت خود گفت. پیامبر با آنکه می‌دانست ساره در جنگ بدر چه کرده بود، در درجه اول سعی کرد با «قاعده جب»، او را مشمول عفو عام کند، اما بعد از اعتراف وی به نپذیرفتن اسلام و هجرت نکردن، از خانواده عبدالمطلب که پیش از این ساره کنیز آنان بود، (یعقوبی، بی‌تا، ۲: ۵۸؛ واقدی، ۱۴۰۵، ۱: ۴۸) (وی را کنیز مرو بن هاشم و کنیز بنو عبدالمطلب دانسته‌اند) خواست تا وی را تأمین کنند.

بنابه نقل واقدی، پیامبر با شنیدن سخنان وی به او صله داد و با شتری که بار طعام داشت، وی را به سوی قریش و مکه بازگرداند، درحالی که هنوز به دین خود باقی بود. (واقدی، ۱۴۰۵، ۲: ۸۶۰) اما بنابر نقل‌های دیگر، پسران عبدالمطلب از او سرپرستی کردند تا سال هشتم که در جریان فتح مکه و نامه حاطب بن ابی‌بلتعه، به مکه بازگشت. (ابن‌هشام، ۱۳۸۳، ۴: ۴۰) ابن‌شهر آشوب گوید: پیامبر (ص) به پسران عبدالمطلب دستور داد که به وی خدمت کنند و مراقب او باشند: «أمر صلی الله علیه و آله بنی عبدالمطلب بأسرانها». (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۱: ۴۰۵) نام ساره نیز در فهرست افرادی بود که خون آنها مباح شده بود؛ گویا دلیل این فرمان، جاسوسی او در جریان فتح مکه – با بردن نامه حاطب بن ابی‌بلتعه – بوده است. برابر نقل ذهبی، او اسلام آورد و پیامبر در روز فتح، او را امان داد و بخشید: «أمنها النبی یوم الفتح» (ذهبی، بی‌تا، ۲: ۲۷۴) اما واقدی به قتل او در روز فتح تصریح می‌کند و زن آوازه‌خوانی را که امان گرفت و زنده ماند، کنیز ابی‌خطل، فرتنا می‌داند، نه ساره مغنیه. (واقدی، ۱۴۰۵، ۱: ۸۶۰)

آنچه از مجموع رفتارهای پیامبر با مجرمان می‌توان دریافت، اعطای فرصت برای بازگشت به زندگی پاک و مطابق با فطرت، و ایجاد زمینه و بستر مناسب برای پاک زیستن است.

ه) سبک رفتار با زنان مصیبت‌دیده

رفتار پیامبر در طول مدت حضور آن حضرت در مدینه با زنان مصیبت‌دیده، مانند همسران و خواهران شهدا، زنان بیوه‌ای که همسرانشان از دنیا رفته بودند و زنانی که به دلیل آزار و اذیت قوم خود، به مدینه هجرت می‌کردند، قابل تحلیل و بررسی است؛ از جمله این زنان به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف) اسماء بنت عمیس، همسر جعفر طیار: وی پس از شهادت همسرش در نبرد موته، به مصیبت سنگینی دچار شد. پیامبر هنگام اعلام خبر شهادت جعفر، خانواده او را مورد تفقد و مهرورزی قرار داد؛ فرزندان او را در آغوش گرفت و بر سر آنان دست کشید و گریست. اسماء از همین رفتار پیامبر به شهادت جعفر پی برد و وقتی توصیف مقام جعفر در بهشت را از پیامبر شنید، آرام گرفت. پیامبر به فاطمه (س) فرمود که برای خانواده جعفر خوراکی فراهم سازد، زیرا که آنان گرفتار و مصیبت‌دیده‌اند و میلی به تهیه و خوردن غذا ندارند. (یعقوبی، بی‌تا، ۱: ۴۲۷/واقعی، ۱۴۰۵، ۲: ۷۶۷)

در برخی روایات ذکر شده است که پیامبر از فاطمه (س) خواست که غذا تهیه کند و با آنان همنشین شود و غذا بخورد و این حرکت بین مسلمانان سنت شد: «وَجَرَتْ بِذَلِكَ السَّيِّئَةِ» (ابن‌خالد برقی، بی‌تا، ۲: ۴۱۹) ترک زینت نیز از جمله سفارش‌های آن حضرت به زنان مصیبت‌دیده است. «حداد» یا ترک زینت، از سنت‌های امضایی بود که پیامبر آن را تعدیل فرمود. در عصر جاهلی، زنان بیوه باید تا یک سال ترک زینت می‌کردند؛ اما پیامبر به اسماء می‌فرماید که تا سه روز از زینت خودداری کند.

ب) صفیه، دختر عبدالمطلب و خواهر حمزه سیدالشهدا: بنابر گزارش‌های تاریخی، وی در نبرد احد، کنار پیکر برادر شهید خود که قریش مثله کرده بودند و تماشای آن بسیار جانسوز بود، نشست و به سوگواری پرداخت. وقتی او آهسته گریه می‌کرد، پیامبر نیز به آرامی می‌گریست و وقتی بلند گریه می‌کرد، پیامبر نیز چنین می‌کرد. (ابن کثیر الحنبلی، بی‌تا، ۴: ۴۲؛ امین، بی‌تا، ۶: ۲۴۶)

ج) همسر سعد بن ربیع، از شهدای احد: وی پس از شهادت همسر، از ارث او بهره نبرد. این زن دو دختر داشت و به دختر سوم نیز باردار بود و چون هنوز حکم ارث در اسلام معین نشده بود، طبق قانون ارث جاهلی، زن و دختران سعد از او ارث نمی‌بردند؛ از این‌رو برادر سعد همه اموال برادرش را برای خود برداشت. پیامبر که به دیدار همسران و

فرزندان شهدا می‌رفت، یک روز زن سعد و فرزندان را در عسرت و سختی دید و در پی گلایه همسر سعد، دعا کرد و فرمود هنوز در این مورد حکمی برای ارث نازل نشده است. در فاصله کوتاهی پس از بازگشت به مدینه، آیات ارث نازل شد. (بخاری، بی‌تا، ۳: ۴۴۰)

پیامبر، برادر و همسر سعد را فراخواند و از برادر سعد خواست تا یک هشتم اموال را به زن برادرش دهد و دو سوم سهم ارث دختران او را نیز بپردازد و بقیه را برای خود بردارد. (ابن سعد، بی‌تا، ۸: ۴۵۱) برادر سعد چنین کرد و مشکل این خانواده حل شد. ابن سعد در شرح حال سعد بن ربیع آورده است که همسر سعد به علت تنگ‌دستی و محروم بودن از ارث سعد، خود نزد پیامبر رفت و با آن حضرت سخن گفت.

د) فریعه بنت مالک: وی پس از آنکه همسر خود را از دست داده بود، نزد رسول خدا آمد و گفت که همسرش کشته شده و چیزی از نفقه و مسکن برای او و فرزندش باقی نگذاشته است و اجازه گرفت تا نزد قبیله‌اش باز گردد. پیامبر از او خواست تا در خانه‌ای که خبر مرگ همسرش به او داده شد، بماند. او چهار ماه و ده روز در منزل ماند تا مشکل او به دست پیامبر(ص) حل شد. (همان، ۱: ۸۹)

نتیجه‌گیری

سبک‌های رفتاری پیامبر(ص) با زنان، بر اساس شناخت موقعیت ویژه جنسیتی و مقام اجتماعی آنان و نیز تابع مصالح عامه و در پاره‌ای موارد مشمول حکم حکومتی بوده است. معیار اساسی رفتار با زنان که در این نوشتار بررسی شد، حفظ حرمت و ویژه زنان و توجه به نقش اساسی و اصلی آنان است. توجه به نقش مادری و همسری که وظیفه و نقش اصلی زنان است، بیش از دیگر نقش‌ها مورد توجه پیامبر(ص) قرار گرفته است؛ اما نقش‌های اجتماعی و حضور پررنگ در صحنه‌های نبرد و سیاست نیز نادیده گرفته نشده است و هنگام ضرورت و اقتضای مصلحت، این نقش‌ها تجلی می‌کنند.

معمولاً رفتار پیامبر با زنان، مهر آمیز و همراه با عفو و صفح بوده؛ البته این سبک رفتار، اختصاص به زنان ندارد، بلکه این مهر و شفقت در مورد نوع انسان‌ها مشاهده می‌شود. نمونه‌هایی از اینگونه رفتار، از گزارش‌های تاریخی گرفته و در این نوشتار عرضه شد. بدیهی است در مواردی همچون قطع دست فاطمه مخزومیه و یا رضایت به کشته شدن عصماء بنت مروان، رفتار آن حضرت براساس تقدم حکم الهی برخواسته‌های شخصی و قبیله‌ای، و به منظور زدودن رسوبات فرهنگی جاهلی بوده است که قبایلی را به قبایل دیگر ترجیح می‌دادند و حکم بر آنها جاری نمی‌کردند. رسالت حقیقی رسول خدا پس از توحید،

منابع

از بین بردن این مظاهر تبعیض و شرک بود که در «حمیت» و «عصیت» جاهلی مشاهده می‌شد.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا)، الکامل فی التاریخ (۱۳ جلد)، بیروت، دار صادر.
۲. _____ (بی‌تا)، اسد الغابة، تهران، اسماعیلیان.
۳. ابن اشعث، ابوداود سلیمان (۱۴۱۰ق)، السنن، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن حزم، هشام بن محمد بن سائب (۹۲۹م)، جمهرة انساب العرب، تحقیق محمود فردوس العظم، سوریه، دارالایقطة العربیه.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۱۵ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. _____ (بی‌تا)، مقدمه فتح الباری فی شرح صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
۷. _____ (بی‌تا)، تعجیل المنفعة، بیروت، دارالکتب العربی.
۸. ابن حنبل، احمد، (بی‌تا)، المسند، بیروت، دارصادر.
۹. ابن خالد برقی، احمد بن محمد (بی‌تا)، سید جلال‌الدین حسینی، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. ابن خلدون، (بی‌تا)، تاریخ ابن خلدون، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. ابن سعد، محمد، (بی‌تا)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
۱۲. ابن سلامه، محمد، (۱۴۰۵ق)، مسند الشهاب، تحقیق حمدي عبدالمجید السلفی، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۱۳. ابن شهر آشوب (۱۳۷۶)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق لجنة من اساتذہ النجف الاشرف، نجف، مطبعة الحیدریة.
۱۴. ابن صاد، محمد (۱۳۹۳)، کتاب النقات، حیدرآباد دکن، مؤسسة الكتب الثقافية.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی‌تا)، البداية و النهاية، بیروت، دارالفکر.
۱۶. ابن هشام (۱۳۸۳)، السيرة النبویه، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، مكتبة محمد علی صبیح و اولاده.
۱۷. ابوهلال عسکری (۱۴۱۲ق)، الفروق اللغویة، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی، قم، جامعه مدرسين.
۱۸. اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۴۱۹ق)، معرفة الصحابة، تحقیق عادل یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر.
۱۹. السجستانی، ابن اشعث (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، تحقیق محمد اللحام، بیروت، دارالفکر.
۲۰. المقریزی، أحمد بن علی بن عبد القادر، أبو العباس الحسینی العیبدی تقی‌الدین (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۱. امین، محسن (بی‌تا)، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف.

۲۲. بحرانی، سیدهاشم (۱۲۹۳ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمود جعفر الموسوی الزرندی، قم، مطبعة العلمية.
۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
۲۴. _____ (بی‌تا)، تاریخ الكبير، دیار بکر، مکتبه الاسلامیه.
۲۵. بغدادی، ابن حبیب، کتاب المحبر، تحقیق ورقة الاصل الخطیه، نسخه خطی ۴/ب.
۲۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة معرفة احوال صاحب الشریعة، تعلیقه دکتر عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۷. بیهقی (بی‌تا)، سنن البکری، بیروت، دارالفکر.
۲۸. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر.
۲۹. حاکم النیسابوری، محمد بن محمد (۱۴۰۶ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق دکتر یوسف المرعشی، بیروت، دارالمعرفة.
۳۰. دارالقطنی، علی بن عمر (۱۴۰۵ق)، العلل، تحقیق محفوظ الرحمن زین الله السلفی، ریاض، دار طیبه.
۳۱. _____ (۱۴۱۷ق)، السنن، تحقیق مجدی بن منصور بن سید الشوری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۲. دیار بکری، حسین بن محمد (بی‌تا)، تاریخ الخمیس، بیروت، مؤسسة نعمان.
۳۳. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۶۶)، تاریخ الاسلام و وفیات مشاهیر والاعلام، بیروت، دارالکتب العربی.
۳۴. _____ (۱۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعب الارنوط و حسین الاسد، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳۵. _____ (بی‌تا)، تجرید اسماء الصحابة، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
۳۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب.
۳۷. رضوان و عیول (۱۴۱۹ق)، تراجم اعلام النساء، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳۸. زیف، فوزی (۱۹۹۶م)، احکام الاسرة فی الجاهلیة و الاسلام، دمشق، دارالطلاس.
۳۹. سهیلی (۱۴۱۲ق)، تحقیق عبدالرحمن الوکیل، روض الانف، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۰. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر.
۴۱. _____ (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی.
۴۲. شافعی، محمد بن ادريس (بی‌تا)، کتاب المسند، تحقیق مطبعة بولاق الامیریة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۳. _____ (۱۴۰۳ق)، کتاب الأم، بیروت، دارالفکر.
۴۴. شریف رضی، محمد الزینی (بی‌تا)، مجازات النبوة، قم، مکتبه بصیرتی.
۴۵. شیخ صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه المدرسین.
۴۶. شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان بغدادی (۱۳۷۲)، الارشاد، قم، تحقیق آل‌البیت.
۴۷. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی، تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۴۸. طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۴۰۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۹. طبرانی (بی تا)، معجم الكبير، تحقیق حمدي عبدالمجيد السلفی، قاهره، مكتبة ابن تيميه.
۵۰. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت.
۵۱. _____ (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه و تصحیح هاشم رسولی، تهران، فراهانی.
۵۲. طبری، محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ الامم و الملوك، تحقیق علماء الاجلاء، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۵۳. طبیبی، ناحید (۱۳۸۶)، گونه شناسی رفتار پیامبر اعظم با زنان (ص)، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۵۴. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۷ق)، زوجات النبی، بیروت، دارالهادی.
۵۵. قاضی عیاض (۱۴۰۹ق)، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، بیروت، دارالفکر.
۵۶. قرآن کریم.
۵۷. قسطلانی، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، المواهب الدینه بالمنح المحمدیه، تحقیق مأمون بن محیی الدین الجنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (بی تا)، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۹. محلاتی، ذبیح الله (۱۳۷۰)، ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۶۰. مرتضی عاملی، جعفر (۱۴۲۸ق)، الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص) (۳۵جلدی)، قم، دارالحديث.
۶۱. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۵)، التنبيه و الاشراف، محقق: ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگي.
۶۲. مقدسی، عبدالغنی بن عبدالواحد (بی تا)، حدیث الافک و ما یلیه من مناقب النساء الصالحات، تحقیق ابراهیم صالح، دمشق، دارالبشائر.
۶۳. مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری نیشاپوری (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۶۴. نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۷)، سنن النسائی، بیروت، دارالفکر.
۶۵. نویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۹۲۴م)، نهاية الارب فی فنون الادب، قاهره، دارالکتب المصریه.
۶۶. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۵ق)، المغازی، تحقیق دکتر مارسدن جونز، قم، نشر دانش اسلامی.
۶۷. هندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۱۳ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.
۶۸. هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۹۶۷م)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بتحریر العراقی و ابن حجر، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
۶۹. یعقوبی، احمد بن ابی واضح (بی تا)، تاریخ یعقوبی، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت.